هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

انتخابات آینده ریاست جمهوری و ضرورت ایجاد محورهای فراگیر ملی

ص۲

طالبان مشکل آفرین تر از هر زمان دیگر

ص۳

آدرس مجاهد در اینترنت
www.mujahedweekly.com

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ هفتم شنبه ۱۵ سرطان ۱۳۸۷- ۲ رجب المرجب ۱۴۲۹ - 5, July 2008

تهدید طالبان بر پایتخت افزایش یافته است

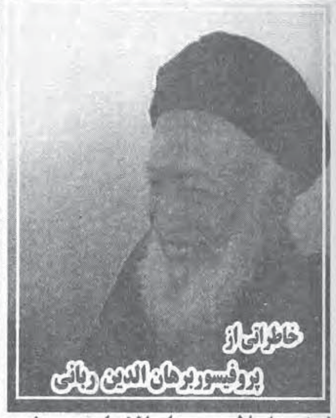
فعالیت های مسلحانهٔ گروه طالبان به صورت بی سابقه افزایش یافته است، ولایات و مناطق همجوار کابل به صورت مشخص، شاهد این افزایش می باشد. اخیراً حضور و گشت و گذار افراد مسلح طالبان در شاهراه قندهار - کابل و مناطق مختلف ولایت های همجوار کابل مانند غزنی، لوگر، وردک و کاپیسا افزایش قابل ملاحظه یی یافته و در روشنایی روز کنترل شاهراه ها را در دست می گیرند.

طالبان به تاریخ ۸ سرطان در ولایت وردک بر کاروان وسایطی که مواد لوژستیکی نیروهای خارجی را به کابل منتقل می ساخت حمله نموده حدود ۶۰ واسطه را به آتش کشیدند، این حادثه نگرانی شدیدی مبنی بر مسدود شدن شاهراه - قندهار را درمیان ساکنین پایتخت به میان آورده است.

طالبان بر تعداد زیاد روستاها و مناطق خارج از محوطهٔ ولسوالی ها در ولایات غزنی، وردک و لوگر تسلط خویش را تثبیت نموده اند، آقای سانچارکی سخنگوی جبههٔ ملی چند روز پیش در مصاحبه یی اظهار نمود که ۱۰ ولسوالی در ولایت غزنی در کنترل طالبان قرار دارد. در این ولسوالی ها طالبان توانسته اند، دادگاه های خویش را برپا دارند و مردم را به اطاعت از قوانین خویش وادار سازند، در ولسوالی های مذکور تنها ساختمان و یا محدودهٔ شهرها در اختیار دولت قرار دارد، والی غزنی این ادعای سخنگوی جبههٔ ملی را رد نمود، اما یک روز بعد به تاریخ ۱۲ سرطان، والی غزنی در مرکز ولسوالی ده یک مورد حملهٔ راکت های طالبان قرار گرفت. والی اگرچه از این حمله جان به سلامت برد، اما ثابت شد که حرف های آقای سنچارکی درست بوده است.

به تاریخ ۷ سرطان افراد گروه طالبان در ولسوالی سیدآباد ولایت وردک بر کاروان نیروهای ائتلاف حمله نموده ۳ تن ادامه درص۷





نهضت اسلامی دچار انشعاب می شود

تلویزیون نور به مناسبت هشتم ثور سالروز پیروزی جهاد مردم افغانستان مصاحبه یی با پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت انجام داده است که در بخش ششم این مصاحبه استاد از کمک های مردم متدین افغانستان برای مهاجرین نهضت اسلامی، سفر داوود خان به پاکستان و انشعاب نهضت اسلامی می گویند که خدمت خوانندگان هفته نامهٔ مجاهد تقدیم می شود. ادامه در ص۵

احتمال حمله بر ایران

عوامل و پیامدها



از دوسال به این سو در مطبوعات دنیا شایعات حمله بر ایران از سوی امریکا به نشر می رسد، این شایعات گاهی در حد یک گمانه زنی جدی نگرانی می آفریند و زمانی هم احتمال آن ضعیف و کم رنگ می شود.

دراین روزها باز این شایعه قوت بیشتر گرفته و به عنوان یک خبر مهم جهانی در رسانه ها مطرح می گردد.

عوامل تنش در روابط ایران و امریکا

تیره گی روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالت متحدهٔ امریکا به چندین دهه پیش بر می گردد. در این جریان حوادث و پیش آمدهای متعددی به وقوع پیوسته و شگاف عمیقی در روابط دو کشور به میان آمده است.

حمایت امریکا از حکومت رضا شاه پهلوی وپیشینهٔ مداخله آن کشور در ایران، که با سرنگونی حکومت مصدق به اوج خود رسید، نخستین عامل تنش در روابط دوکشورحساب می شود، امریکا در زمان جنگ سرد، به منظور ایجاد خط دفاعی دربرابر اتحاد جماهیر شوروی که استراتژی ادامه درص۴

جنگ در درهٔ خیبر

وحید مژده

عملیات اخیر دولت پاکستان در خیبر اجنسی حتی در داخل پاکستان نیز با شک و تردید های فراوان مواجه گردید. دولت عنوان نمود که علیه مراکز طالبان در این دره دست به عملیات نظامی زده است، اما کسانی که جریانات را از نزدیک دنبال می کنند روایت دیگری از این ماجرا دارند. آنان به این باور اند که این عملیات فقط یک صحنه سازی به منظور



کاهش فشارهای خارجی بر پاکستان بوده است.

جالب است که در حالی که قوای نظامی به درهٔ خیبر حمله ور گردید، نیروهای به اصطلاح (طالب) را مورد هجوم قرار دادند، یک سخنگوی این قماش از (طالبان) اعلام نمود که آنها هرگز با نیروهای نظامی پاکستان نخواهند جنگید. این درحالی است که طالبان مسلح در هیچ جا بدون مقاومت سلاح بر زمین نمی نهند. ادامه درص۲

جسد داوود خان کشف شد

جسد سردار داوودخان اولین رئیس جمهور افغانستان، هفته گذشته در پلچرخی کابل دریافت گردید، محمودغازی نواسهٔ داوودخان اعلام کرده است، اجساد خانواده اش از نزدیکی پلچرخی کابل دریافت شده است، گزارش های حاکی است، از گوردستجمعی کشف شده هژده جسد به دست آمده است که به گفتهٔ محمودغازی این اجساد مربوط به داوودخان واعضای خانواده اش می باشد. اجساد به دست آمده غرض تحقیقات به یکی از شفاخانه های کابل انتقال داده شده است.

سردار داوودخان در سال ۱۳۵۲ علیه محمد ظاهر شاه پسر عمو و برادر خانمش با همکاری شماری از افراد عضو حزب دموکراتیک کودتا کرد، روابط نزدیکی با اتحاد شوروی برقرار نمود و اعضای حزب دموکراتیک را در قدرت شریک ساخت، عناصر کمونیست، داوود خان را برضد نهضت اسلامی تحریک نمودند در نتیجه صدها عضو این نهضت را در زندان ها افگنده و عده یی را نیز اعدام نمودند. شماری از چنگ مأموران فرار نموده به پاکستان پناهنده شدند.

سرانجام داوود خان با برنامهٔ کمونیست ها و مداخلات اتحاد شوروی به مقابله برخواست، اما حزب خلق در واکنش بر اقدام داوود خان با کمک شوروی دست به کودتا زد و در هشت ثور ۱۳۵۸ او را با تمام اعضای خانواده اش به قتل رساند.

د جون میاشت د بهرنیو ځواکونو لپاره له ټولو زیاته مرګوني وه



د شپیتو زرو په شاوخوا کې بهرني پوځیان په افغانستان کې شتون لري.

رسمي شمېرنې ښايي چې په (۲۰۰۱) میلادي کال د طالبانو د رژیم له ړنګیدو راهیسي تر دا مهاله د جون میاشت په افغانستان کې د بهرنیو ځواکونو لپاره له بل هر وخت زیاته مرګونې وه.

د جون په تېره میاشت کې نږدې پنځه څلوېښت (۴۵) بهرنیو پوځیانو خپل ژوند له لاسه ورکړی دی. دغه شمېره د بهرنیو پوځیانو له هغې شمېرې څخه لوړه ده چې په همدې موده کې په عراق کې وژل شوي دي.

په هېواد کې د ناټو د سازمان په مشرۍ د ایتلافي ځواکونو یو ویاند وویل چې: دا مهال د بهرنیو ځواکونو زیات شمیر په افغانستان کې شتون لري او په پراخه سیمه کې په عملیاتو بوخت دي.

ژورنالیستان وایي چې دغه شمېره په ګوته کوي چې د طالبانو د مقاومت زور ډېر شوی دی او د هغې بېلګه دا ده چې د جون په میاشت کې د کندهار په زندان باندې طالبانو د یو یرغل پاتې پر۴مخ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

انتخابات آینده ریاست جمهوری

وضرورت ایجاد محورهای فراگیر ملی

با آن که به برگزاری دومین انتخابات ریاست جمهوری تقریبا یک سال دیگرباقیست، تا کنون شمار زیادی از شخصیت ها علاقمندی خویش را جهت نامزدی دراین مقام ابراز نموده اند.

اگرچه در جامعه ما به علت در دست نبودن آمار و ارقام معتبر و نبود نظر سنجی ها و بررسی های علمی، نتایج انتخابات تا اندازه یی غیرقابل پیش بینی بوده و نمی توان با قاطعیت میزان پیروزی و یا شکست کاندید خاصی را حدس زد، اما برخی از نامزدان در انتخابات گذشته ریاست جمهوری، بخت خویش را آزموده اند، از میزان پائین آرای گذشته، امیدی چندانی برای پیروزی اکثر آن ها در انتخابات آینده وجود ندارد.

پس چه عواملی این کاندیداتوری را جالب می سازد، عوامل این تعدد کاندیدان می تواند دلایل و انگیزه های های متعدد داشته باشد.

شاید مخالفت دولت و برخی قدرت های خارجی با تقویت احزاب و جریانات سیاسی مهمترین عامل این تعدد باشد، در پهلوی آن شاید بتوان به عوامل دیگری مانند علاقمندی برای ترویج شخصیت و اثرات اختناق و استبداد رژیم های گذشته و صحنه آرایی های ارباب قدرت در داخل و خارج و امتیاز گیری سیاسی اشاره کرد.

نامزد شدن برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری یا هر مقام دیگری، حق مسلم هر شهروندکشور است. این یک سوی موضوع است، روی دیگر موضوع، اهمیت طرح محور های فراگیر ملی جهت رهبری ومدیریت کلان کشور ومنافع علیای جمعی ملت است، که بدون تردید از اهمیت به مراتب بیشتر ی برخوردارمی باشد.

البته تعدد کاندیداتوران درمیان کسانی که به دنبال منافع شخصی وگروهی می باشند و برنامه های مشکوکی را مطرح میکنند. نمی تواند نگرانی ایجاد نماید. انتقاد بر کسانی وارد می شود که ادعا دارند به دنبال مطرح کردن هدف ها و برنامه های ملی وتأمین مصلحت های علیای مردم هستند.البته تعدد یک امتیاز دارد که رقابت به میان می آید و پیش روی رأی دهندگان چندین انتخابات قرار می گیرد، اما زمانی که این پدیده به سطح بالای برسد مانند انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، دیگر واقعا برای رأی دهندگان وانتخاب کنندگان ایجاد سر درگمی می کند. دراین میان اگر شماری بتوانند هدف ها و برنامه های ملی وارزنده را شناسانی کنند، در گزینش یکی از این برنامه های متعدد مثبت بازهم دچار حیرت می شوند. چون متأسفانه جامعه ما به آن حد از آگاهی های سیاسی دست نیافته است که بتواند از میان گروه بزرگ کاندیدان وجنگلی از هدف ها و برنامه ها، بهترین را شناسایی نماید و از آن حمایت کنند. نتیجهٔ این پیش آمد توزیع هواداران وحامیان برنامه های مثبت ملی گردیده، از به میان آمدن یک محور فراگیرملی جلوگیری می نماید.

جنگ در درهٔ خیبر



بقیه از صفحهٔ اول

حقیقت امر این است که فوج این عملیات را نه برعلیه طالبان بلکه علیه یک متحد سابق خود یعنی (منگل باغ) انجام داد که وی رهبری یک گروه شبه نظامی به نام لشکر اسلام را به عهده داشت. منگل باغ از چند سال به این طرف تحت حمایت مقامات نظامی پاکستان در این دره علیه باغیان و مجرمینی که پس از ارتکاب جرم به آنجا پناه می برند، فعال بود. وی که سابق شاگرد راننده بود، ناگهان مبدل به مرد قدرتمند درهٔ خیبر گردید. در این میان عامل مذهبی نیز به عنوان یک وسیلهٔ ایجاد تفرقه بکار گرفته شد. منگل باغ و پیروانش ظاهراً وابسته به فرقهٔ پنج پیر هستند که با سلفی ها نزدیک اند در حالی که در بعضی مناطق این دره فرقه های صوفی مشرب وجود دارد به خصوص در (باره) که پیری و مریدی در آنجا رونق دارد که این طریقه مورد پسند پنج پیری ها نیست.

سؤال این است که چرا مقامات نظامی به خصوص در صوبهء سرحد این مرد را بزرگ کردند و بعد با وی درافتادند؟ دلیل این امر را باید در تغییرات ساختار قبایلی در این منطقهٔ بسیار مهم و استراتژیک دانست.

بیشتر مردم درهٔ خیبر از قوم افریدی اند که از دیرباز حیات شان وابسته به تجارت و قاچاق با افغانستان است. این منطقه بیشتر کوهستانی بوده و زمین زراعتی در آن کم است. از دوران سلطهٔ هند بریتانوی این منطقه مانند سایر مناطق قبایلی به وسیلهٔ ملک ها اداره می شد و این ملک ها که در دوران انگلیس ها از پولیتکل اجنت یا نمایندهٔ سیاسی مستمری دریافت می کردند، بعد از تشکیل پاکستان نیز از دولت معاش می گرفتند. آنها با دولت افغانستان نیز رابطه داشتند و امتیازاتی از کابل نیز برای شان داده می شد.

بعد از تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان، شرایط زندگی مردم این منطقه هم دچار تحول شد. دولت کمونیستی در افغانستان تلاش نمود تا با قبایل این دره رابطه را ادامه دهد و از آنان علیه مجاهدین استفاده نماید. بعضی از سران این قبایل از جمله قبیلهٔ کوکی خیل تحت رهبری ملک ولی خان کوکی خیل با دولت کابل رابطه حسنه داشتند. حکمتیار در آن موقع در مقابله با دولت کابل با قبیلهٔ زخه خیل پیمان دوستی بست.

با گذشت زمان از نفوذ ملک ها در این منطقه کاسته شد. پس از خروج نیروهای روسی از افغانستان که مجاهدین عرب تحت فشار دولت پاکستان قرار گرفتند تا از پاکستان خارج شوند، جمعی از آنان در خیبر اجنسی تحت حمایت یکی از سران قبایل که در گذشته با دولت کابل نیز رابطه داشت، به ایجاد یک امارت اسلامی پرداختند و خلیفه یی هم برای خود انتخاب کردند. رسانه ها در غرب در مورد این خلافت به نشر مقالات بسیار پرداختند و قضیه را از آنچه که بود بزرگتر وانمود ساختند.

برای مقابله با این خلافت، لشکری از قبایلی بسیج شد و در حملهٔ آنان هواداران خلافت شکست خوردند و به شرق افغانستان پناه بردند. در آن موقع گفته شد که این لشکر با پول و حمایت امریکا آماده شده بود.

دولت پاکستان دیگر به قدرت ملک ها توجهی نکرد و اقدام امریکا برای دستگیری یکی از پرنفوذ ترین ملک های این منطقه (حاجی ایوب افریدی) به اتهام قاچاق مواد مخدر را می توان ضربهٔ بزرگ

اگر طالبان بر خیبر اجنسی نیز مانند سایر مناطق قبایلی مسلط می شدند، کار برای امریکایی ها در افغانستان دشوار تر می شد. تلاش های خزندهٔ طالبان برای دسترسی به درهٔ خیبر مورد نگرانی شدید امریکایی ها بود، همان بود که دولت پاکستان تصمیم به حمله به این دره گرفت

به نقش ملک ها در درهٔ خیبر دانست. هرچند ایوب افریدی بعداً آزاد گردید اما ضعف قدرت عنعنوی ملک ها موجب ایجاد خلایی گردید که باید پر می شد. دولت پاکستان برای پرکردن این خلا به حمایت از کسانی پرداخت که قبلاً در میان مردم نفوذ قومی نداشتند و شناخته شده

ناامن شدن بیشتر این دره به معنی دشوارتر شدن مأموریت نیروهای خارجی در افغانستان خواهد بود و اکنون اعلام شده که پس از این عملیات، گروهی در این دره ابراز موجودیت کرده اند که مخالف با طالبان اند و تصمیم به مقابله با نفوذ طالبان در این دره دارند

نبودند. به میان آمدن لشکر اسلام به رهبری منگل باغ توانست تا حدی وضع را بهتر سازد. کارخانه های تولید هرویین توسط این لشکر نابود شد و دیگر درهٔ خیبر مکان امنی برای جنایتکاران وفراریان از دیگر نقاط پاکستان نبود.

اما چند ماه قبل واقعه یی اتفاق افتاد که برای حلقه های استخباراتی و امنیتی در صوبهٔ سرحد مایهٔ شرمساری بود. طارق عزیزالدین سفیر پاکستان در افغانستان هنگام سفر به کابل در این مسیر ناپدید شد و بعداً طالبان مسئولیت ربودن وی را به عهده گرفتند.

تلاش های دولت پاکستان برای یافتن وی به جایی نرسید و تماس با ملک ها در درهٔ خیبر نیز در این رابطه کارساز نبود. هرچند مطابق عرف قبایلی، هرملک مسؤولیت منطقهٔ خود را به عهده دارد و در این رابطه هم باید ملک ها جوابگو می بودند اما استدلال ملک های منطقه این بود که دولت پاکستان باید در این رابطه از کسانی همکاری بخواهد که تا کنون از آنان حمایت کرده است. لشکر اسلام با مقامات انتظامی درصوبهٔ سرحد همکاری مخفی داشته و اکنون باید جوابگو باشد نه ملک ها که دیگر قدرتی در کنترول اوضاع ندارند.

این که بعداً سفیر عزیزالدین از طرف طالبان آزاد شد نشان داد که لشکر اسلام ، طالبان باهم بی رابطه نیستند. اما این تنها واقعه از این دست نبود. در این دره به تانکر هایی که برای نیروهای ائتلاف در افغانستان مواد سوخت می رسانید نیز حمله شد که تعدادی از آنان به آتش کشیده شدند.

درهٔ خیبر برای نیروهای خارجی مستقر در افغانستان اهمیت حیاتی دارد و این وضع نگران کننده باید به نحوی پایان می یافت. اگر طالبان بر خیبر اجنسی نیز مانند سایر مناطق قبایلی مسلط می شدند، کار برای امریکایی ها در افغانستان دشوار تر می شد. تلاش های خزندهٔ طالبان برای دسترسی به درهٔ خیبر مورد نگرانی شدید امریکایی ها بود، همان بود که دولت پاکستان تصمیم به حمله به این دره گرفت.

اکنون به نظر می رسد که اختلافات فرقه یی در این منطقه نیز تحت الشعاع عملیات نظامی قرار گرفته است و دولت پاکستان به حمایت خود از منگل باغ لااقل در شرایط فعلی پایان داده است. خانهٔ وی بمباران شده و مارکیت طرفداران وی در کارخانو نیز به وسیلهٔ مواد انفجاری تخریب گردیده است در حالی که لشکر اسلام هیچ گونه مقاومتی از خود نشان ندادند اما آنچه که در این مورد نگرانی های بیشتری را موجب می گردد این است که؛ بیت الله محسود رهبر طالبان در وزیرستان از جنگجویان در این منطقه ابراز حمایت نموده و مولوی عمر سخنگوی وی در عکس العمل به این عملیات، از تعلیق پیمان صلح طالبان با دولت پاکستان سخن گفته است.

به نظر می رسد که با عدم مقاومت منگل باغ و هوادارانش در برابر نیروهای دولت پاکستان، این گروه دیگر اعتبار خود را در میان مردم منطقه نیز از دست داده است و اکنون بیش از هر زمان دیگر زمینه برای نفوذ طالبان در این درهٔ استراتژیک منتهی به مرز افغانستان مساعد شده است.

ناامن شدن بیشتر این دره به معنی دشوارتر شدن مأموریت نیروهای خارجی در افغانستان خواهد بود و اکنون اعلام شده که پس از این عملیات، گروهی در این دره ابراز موجودیت کرده اند که مخالف با طالبان اند و تصمیم به مقابله با نفوذ طالبان در این دره دارند. در این که این اقدام، تلاش دیگری از جانب دولت پاکستان برای کنترول این دره می باشد تردیدی نیست اما گذشت زمان مؤثریت این اقدام را نشان خواهد داد.

زبانهای سوم رسمی

محمد نسیم فقیری

درمادۀ شانزدهم قانون اساسی کشور آمده است:" ازجمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه یی، نورستانی، پامیری و سایر زبان های رایج در کشور، پشتو و دری، زبان های رسمی دولت می باشند. در مناطقی که اکثریت به یکی از زبان های ازبکی، ترکمنی، پشه یی، نورستانی، بلوچی و پامیری تکلم می نمایند؛ آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث **زبان سوم رسمی** می باشد و نحوۀ تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد. دولت برای تقویت و انکشاف همه زبان های افغانستان پروگرام های مؤثر طرح وتطبیق می نماید..."

اکثر کشورهای دنیا دارای زبان های مختلف اند ولی همه زبان ها رسمیت ندارند و به خصوص زبان تعلیم و آموزش در اکثر کشورها مشخص گردیده و زبان های غیر رسمی در مناطقی که باشندگان آن به این زبان تکلم می کنند؛ به حیث یک مضمون درسی تدریس می شود.

همه می دانیم که داشتن یک زبان رسمی بسیاری از مشکلات را حل می کند و چند زبانی ــ آن هم رسمی ـ مشکلات زیادی را فرا راه مردم ـ به ویژه در امر تحصیل ـ قرار می دهد!

قانون اساسی به جای این که برای ایجاد، استحکام و تقویت وحدت ملی راهکارهایی داشته باشد؛ با وضع همچو قیود (آموزش به زبان مادری) این راه را دشوارتر ساخته است...

دشواری های آموزش به زبان مادری ـ درحال حاضر- را می توان طور ذیل فهرست نمود:

۱- نداشتن الفبای کامل و مورد اتفاق در اکثر زبان ها.

۲- نبود حروف و یا نشانه های خاص هر زبان درتایپ رایتر و حتی کامپیوتر.

۳- نداشتن ذخایر نوشتاری مطبوع و یا غیر مطبوع.

۴- عدم آشنایی مردم (اهل زبان) با نگارش یا خوانش به این زبان ها.

۵- مشخص نبودن ساحات جغرافیای حضور این زبان ها.

۶- فقدان وجود متخصص و حتی تحصیل یافته در اکثر این زبان ها (در رشتۀ زبان سوم).

۷- مشکل دریافت معلم برای تدریس: چون دراکثر زبان ها کسی در این رشته آموزش نیافته است.

۸- عدم علاقۀ اکثر خانواده های اهل زبان به آموزش فرزندان شان به این زبان ها.

۹- مصارف وهزینه های چاپ کتب درسی این زبان ها در فردا که دنیا مانند امروز کمک نخواهد کرد.

۱۰- شاگردان مکاتب به جای این که با هم نزدیک شوند و ممثل وحدت ملی گردند؛ از یکدیگر جدا خواهند شد و تعصبات زبانی و قومی افزایش خواهد یافت.

بنا بر این رسمیت یافتن زبان های سوم نه تنها مشکلی را حل نکرده است، بلکه مشکلات زیادی را فرا راه ما قرارداده است که به دشواری های آموزش این زبان ها اشاره شد. امید است روزی که قانون اساسی کشور مورد بازنگری قرار گیرد؛ در کنار مسایل و پیچیدگی های دیگر به حل این مشکل نیز پرداخته شود.

طالبان مشکل آفرین تر از هر زمان دیگر

ابوبکر سبزوار



تاکتیک های رزمی طالبان در مقایسه با دو سال قبل به شکل چشمگیری تحول یافته که علت آن وجود مشاورین نظامی القاعده در میان آنان است. طالبان وجود جنگجویان خارجی در صف خود را نه تنها رد نمی کنند بلکه در سی دی های تبلیغاتی آنان که از جنگ های شان تهیه می شود، وجود پاکستانی ها و عرب ها به وضوح قابل رویت و تشخیص است

جنرال امریکایی جان کرادوک که در افغانستان مأموریت دارد در اجلاس ناتو در ویانا از مشکلات روبه افزایش ناتو در افغانستان سخن گفت. وی گفت که عدم علاقه مندی بعضی از کشورهای عضو ناتو برای اعزام نیرو به مناطق درگیر جنگ در افغانستان و کمبود وسایل رزمی، ناتو را در افغانستان به چالش های خطرناک مواجه ساخته است.

وی گفت که کمی تعداد هلی کوپتر موجب شده تا نیروهای رزمی از راه زمین به مناطق جنگی اعزام شوند و در مسیر راه های زمینی با بمب های کنار جاده مواجه می شوند که به این ترتیب تلفات سربازان روبه افزایش است.

این نخستین باری نیست که یک افسر ارشد نیروهای خارجی از زمینگیر شدن نیروهای ناتو در افغانستان سخن می گوید. اما اظهارات گاهی به نحو عجیبی متناقض است. گاهی ادعا می شود که طالبان دیگر توان رزمی خود را از دست داده اند اما زمانی از افزایش بیش از چهل درصد در میزان حملات طالبان سخن می گویند.

به روشنی به نظر می رسد که برخلاف ادعاها، این طالبان نیستند که قدرت رویا رویی را از دست داده اند بلکه این نیروهای بین المللی اند که بیشتر از قبل زمینگیر شده اند. به عبارۀ دیگر نیروهای بین المللی نتوانسته اند خود را با تغییر در تاکتیک های رزمی طالبان عیار سازند و به همین دلیل روز تاروز تلفات جانی آنان بلند تر می رود.

تاکتیک های رزمی طالبان در مقایسه با دو سال قبل به شکل چشمگیری تحول یافته که علت آن وجود مشاورین نظامی القاعده در میان آنان است. طالبان وجود جنگجویان خارجی در صف خود را نه تنها رد نمی کنند بلکه در سی دی های تبلیغاتی آنان که از جنگ های شان تهیه می شود، وجود پاکستانی ها و عرب ها به وضوح قابل رویت و تشخیص است.

نکتۀ دیگری که می تواند در بهتر شدن روحیۀ طالبان مؤثر باشد قرارداد دولت پاکستان با طالبان محلی در آن کشور است. حتی اگر هیچ طالب پاکستانی هم با استفاده از این فرصت به افغانستان نیاید، نفس این قرارداد نشان داد که طالبان را در هیچ جا نمی توان نادیده گرفت. چنین احساسی برای ادامۀ نبرد تا آینده های دور می تواند انگیزه ایجاد نماید.

نکتۀ دیگری که باید آن را در گسترش دامنۀ ناامنی ها مؤثر دانست، رسیدن سلاح های مؤثر به دست طالبان است. این سلاح ها به طالبان توان آن را داده است تا اهداف را از فاصله های دورتر مورد هدف قرار دهند. طالبان اکنون از پیشرفت الکترونیک برای ضربه زدن به دشمن سود می برند و در کاشت ماین های رهبری شده از راه دور مهارت یافته اند.

عملیات انتحاری طالبان اکنون با مواد انفجاری به مراتب قوی تر از دو سال قبل صورت می گیرد. این مواد در کشورهای همسایه تولید نمی شود و از فاصله های دورتری به افغانستان انتقال می یابد. این خود نشان از وجود یک تونل ارتباطی میان طالبان و هواداران شان در خارج دارد که در تأمین این ارتباط نقش القاعده بسیار مهم است.

سؤال این است که آیا ازدیاد در تعداد هلی کوپترها می تواند به حل این معضل کمک کند؟ هرچند نقش وسایل رزمی پیشرفته در جنگ قابل انکار نیست اما نیروهای خارجی در افغانستان به مشکلات دیگری هم مواجهند؛ تعداد بیشتری از هلی کوپتر نیاز به مقدار بیشتری مواد سوخت دارد و همان گونه که می دانیم نرخ مواد سوخت در بازارهای جهانی به شکل سرسام آوری روبه افزایش بوده به معنی دیگر قیمت جنگ در افغانستان برای خارجیان در حال گرانتر شدن است.

مشکل دیگر در این رابطه رسانیدن مواد سوخت برای نیروهای خارجی در افغانستان است که با ازدیاد ناامنی ها کاروان های تدارکاتی در معرض خطر حملات بیشتر قرار خواهند داشت. این محدودیت ها موجب می شود که ناتو نتواند به خواست های سربازان در میدان جنگ افغانستان توجه کامل مبذول دارد.

هلی کوپتر یک وسیلۀ حمل نقل هوایی مؤثر است اما چه کسی می تواند تضمین نماید که در آینده راکت های بیشتر ضد هلی کوپتر در اختیار طالبان قرار نخواهد گرفت. مگر آنان همین اکنون راکت های سام هفت ضد هلی کوپتر در اختیار ندارند؟

هرقدر دامنۀ جنگ گسترش یابد و مصارف جنگ برای نیروهای خارجی بیشتر شود، از میزان هزینه های بازسازی در کشور کاسته خواهد شد در حالی که گفته می شود بازسازی می تواند دامنۀ خشونت ها را کاهش بدهد. آیا هنوز هم باید به جنگ به عنوان تنها گزینه تأکید داشت در حالی که دوام چندین دهه جنگ هیچ ثمری جز بدبختی به ارمغان نیاورده است؟

اخر، د پنداني کيسه ترکومه؟

فدا محمد فایض

زما باور دا دی چې افغانستان باید له پاکستان سره پخپله دوستی بیا کتنه وکړي. د دی خبرې معنا دا نه ده چې له پاکستان سره دې د دښمنۍ لاره خپله کړای شي، ځکه له پاکستان سره دښمني، نه د افغانانو اړتیا ده، نه یې په ګټه او نه ښایي چې په دي اوسني حالت کي یې په وس پوره وي. او دلته به بې ځایه نه وي چې ووایو کله چې د پاکستان نوم اخلو، نو هدف مو تري د پاکستان واکمنان، پوځي او استخباراتي اداري او زیاتره سیاسي کړی دي، نه د پاکستان شریف او پتمن اولس؛ ځکه دې ولس چې له افغانانو سره کومه ښیګړه کړي په بیا بیا ورته سلام کول په کار دي او دا یې پرموږ حق دی او پردي سر بیره چې پر افغانستان کوم څه تیریږي، دپاکستان اولس پري ترموږ زیات غمجن دی، نو څه چې کیږي د واکمنانو د تورو درواز و ترشایی تصمیم نیول کیږي او عملي کیږي.

پاکستاني واکمنو لکه څرنګه چې د ماکیاولستی سیاست غوښتنه ده د افغانانو سره د خپلو ګټوپر بناء دوستی کړې ده، او دا معامله یې له یوې سیاسي ډلې سره نه، بلکې له هرې ډلی سره کړی ده مونږ ته یې د دوستی لاس راغزولی او بیایی پرمخ څپیړه راکړې ده، نو دا خو د اسلام د ستر پیغمبرص مبارک حدیث دي چې مسلمانان دوه ځلي له یوي سوړی نه چیچل کیږي.

که پاکستانی واکمن ذوالفقارعلی بوټو د واکمنی پرمهال د افغانستان د اسلامي غورځنګ له هغو غړو سره چې د سردارد داوودخان د ناسم سیاست له لامله پاکستان ته په هجرت کولو اړ شوي وو، او داوود خان هغو بلوڅو ته چې د بوټو او پاکستاني جرنیلانو د ظلم او تیري په وجه افغانستان ته را مهاجرشوي وو، پناه ورکړي وه نو په دې چې پاکستان له دې مسالې نه جدی ویره درلوده او په دی مساله کی ایرانی واکمن رضا شاه پهلوي له پاکستان سره د امریکایی هلیکوپترو مرسته کړی وه چی بلوڅان وځپي، ځکه ایران هم ویریده هسی نه چې دا لړی ایران ته هم وغزیږي، د پاکستان دهغه مهال د سرحد ایالت والي جنرال نصیرالله بابر په خپله یوه مرکه کې چی پشتوژباړه یی نوښت مجلې خپره کړه او اصلي مرکه ورسره ښاغلی سهیل قلندر کړي وه، په ډاګه ویلی وو چې: له دې کار نه زموږ هدف دا وو چې داوودخان ته یو پیغام در واستوو چې موږ هم بنګړي نه دي پر لاس کړي، خو وروسته بیا داسې وخت هم راغي چې دحزب اسلامي مشر ته یی د ځوانیمرګ وراره په جنازه کي دګډون له پاره د یوی ورځې ویزه هم ورنکړه، تردي بتر چلند یې له طالب مشرتابه سره هم وکړ او دمجاهدینو د واکمنی پرخلاف یي هم چې څه په وس پوره وو، هغه یی وکړل، همدارنګه دښن په غونډه کی یی دښاغلي کرزي په مشرتابه تینګار کاوه خو دا دی ګورو چې دهغه پر وړاندې څه کوي؟ په ۱۳۸۷/۵/۴ نیټه خو د امنیت ملي ویاند سعید انصاري د ۱۳۸۷ د اتمې د ثورجشن په نیټه کې هم پاکستاني استخبارات په لاس لرلو تورن کړل. **پاتې پر ۶ مخ**

پاتې پر ۶ مخ

خاطراتی از پروفیسور برهان الدین ربانی

نهضت اسلامی دچار انشعاب می شود



درزمانی که شما در پاکستان بودید داوودخان سفری به آن کشور داشت، آن زمان شما در کجا زندگی می کردید؟

هنگام مسافرت داوود خان به پاکستان در اسلام آباد بودم. من ضمن دیدارهای که با سفرای کشورهای اسلامی داشتم یک روز پیشتر از سفر داوود خان، وارد اسلام آباد شدم، در همان روز با سفیران کشورهای الجزایر ولیبی دیدارکردم، سفیرلیبی آدم بسیار متدینی بود و پیرو جماعت تبلیغی بود، او از من خواهش کرد، نان چاشت را یک جا بخوریم، پس از صرف نان تا نا وقت شب صحبت کردیم و نتوانستم دوباره به پشاور بروم، شب را در یکی از مهمان خانه ها در لاهورپندی سپری کردم، شبی بود که فردای آن داوودخان به پاکستان می آمد. پولیس به منظور تدابیر امنیتی به مناسبت سفر داوودخان، هوتل ها را بازرسی می کرد. همان شب گروهی از افراد پولیس وارد اتاق من شدند، مشغول نوشتن مقاله یی به نام سیمای زعامت داوودخان بودم. ما در آن وقت بنا بر دلایل امنیتی هویت خویش را پنهان می کردیم و نام های مستعار انتخاب کرده بودیم. در جریان بازجوی گفتم که از باجور هستم و از آنها تقاضا کردم تا اجازه بدهند تلفون کنم، اما افراد پولیس اجازه ندادند و مرا با آن دست نوشته ها به پاسگاه پولیس بردند.

در پاسگاه پولیس نیز به من اجازه ندادند با کسی تلفون کنم، من چند شماره تلفون با خود داشتم از جمله والی پشاور و از شخص دیگر که کارمند وزارت خارجه بود. در جریان تحقیق من اعتراف کردم که تبعهٔ افغانستان هستم، تحقیق یک هفته ادامه یافت و من در آن پاسگاه زندانی بودم، پس از یک هفته نمایندهٔ وزارت خارجه جهت آزادی من به زندان آمد، اما آن زمان برای من دوسیه ساخته بودند و به محکمه فرستادند. برای این که زندانی شدن من و فیصلهٔ محکمهٔ پندی در مطبوعات انعکاس نیابد، تصمیم گرفتند دوسیه را از محکمهٔ پندی به پیشاور انتقال دهند.

وقتی وارد محکمه شدم، دستهایم باز بود، قاضی اعتراض کرد، برای قاضی چیزی گفتند و خاموش شد و به تبدیلی دوسیهٔ من به ایالت سرحد موافقه کرد. در پشاور تا فیصلهٔ محکمه، تحت نظارت پولیس قرار داشتم.

آیا در این سفر داوود خان با کسی از اعضای نهضت اسلامی ملاقات کرد؟

نه خیر، داوود خان آمادهٔ ملاقات با ما نبود.

می گویند از داخل کشور کمک های زیادی به شما فرستاده می شد؟

حکومت پاکستان در اوایل رابطهٔ خوبی با ما نداشت و به شکل محدودی برای ما آزادی فعالیت داده بود. آن ها فکر می کردند که این ها مهاجر اند و ممکن است پس از مدتی باز گردند، اما زمانی که تعداد مهاجران زیاد شد و فعالیت های ما وسعت یافت و ما توانستیم کمک هایی را از داخل افغانستان دریافت کنیم، به همکاری بیشتر با ما تمایل نشان دادند.

در مورد کمک هایی که از داخل کشور به ما می رسید، خاطرهٔ جالبی را به یاد دارم. یک روز در دفتر بودم در منطقهٔ فقیرآباد، محافظ آمد و اطلاع داد که کسی از افغانستان آمده و می خواهد شما را ببیند، موافقت کردم، آن مرد آمد و با هم ملاقات کردیم، او تقاضا کرد که صحبت تنهایی با من داشته باشد، پذیرفتم و تنها با هم ملاقات کردیم، او کیسه یی را از کمرش بیرون آورد و آن را باز کرد، سی هزارافغانی در آن بود، وی گفت، چون فقیر هستم، بیشتر از این نمی نتوانستم به شما کمک کنم، این کمک مرا بپذیرید. من از وی سؤالاتی کردم، گفت: از ولایت سمنگان آمده است و یک دهقان می باشد، خانواده اش از هشت نفر تشکیل شده، او تمام حاصلات یک سال دهقانی اش را فروخته بود و برای ما در پاکستان آورده بود. از وی پرسیدم وقتی همه درآمد یک ساله ات را برای ما آوردی، مصارف خانواده ات را از کجا تهیه می کنی؟ گفت که خدا روزی رسان است، من پول هایش را به وی بازگرداندم و برایش توضیح دادم که ما فعلاً برای مصارفمان پول در اختیار داریم، احساسات پاک تو را من بسیار تقدیر می کنم، اما این پول ها را بردار و در خانواده ات مصرف کن. اما آن مرد نپذیرفت و بالآخره شروع کرد به گریه کردن و گفت شما کمک فقرا را قبول نمی کنید، ما در این کشمکش بودیم که برای من کاری پیدا شد و از اتاق بیرون شدم، تا باز گشتم دیدم که او از دفتر بیرون شده و پول هایش را آنجا گذاشته است، کسی را فرستادم تا او را بیاورد تا پولش را بدهم، اما او رفته بود و پیدا نشد، من دیگر هیچ اطلاعی از وی به دست نیاوردم، نامش هم متأسفانه اکنون در یادم نیست.

این گونه همکاری ها به پیمانهٔ زیادی توسط مردم با احساس و متدین افغانستان صورت می گرفت. افغان هایی که در سعودی و کویت و کشورهای عربی بودند، کمک زیاد می کردند.

آیا افغان های مقیم غرب هم کمکی می کردند؟

افغان های مقیم غرب در اوایل کمک نمی کردند، اما بعد از کودتای هفت ثور و حملهٔ اتحاد شوروی به افغانستان، که مردم به صورت عموم قیام کردند، جوانانی که در غرب اقامت داشتند، فعال شدند، در تظاهرات شرکت می کردند و به نمایندگی های مجاهدین در کشورهای غربی کمک می کردند، پس

حکومت پاکستان در اوایل رابطهٔ خوبی با ما نداشت و به شکل محدودی برای ما آزادی فعالیت داده بود. آن ها فکر می کردند که این ها مهاجر اند و ممکن است پس از مدتی باز گردند، اما زمانی که تعداد مهاجران زیاد شد و فعالیت های ما وسعت یافت و ما توانستیم کمک هایی را از داخل افغانستان دریافت کنیم، به همکاری بیشتر با ما تمایل نشان دادند

***

افغان های مقیم غرب در اوایل کمک نمی کردند، اما بعد از کودتای هفت ثور و حملهٔ اتحاد شوروی به افغانستان، که مردم به صورت عموم قیام کردند، جوانانی که در غرب اقامت داشتند، فعال شدند، در تظاهرات شرکت می کردند و به نمایندگی های مجاهدین در کشورهای غربی کمک می کردند

از آن در فعالیت های فرهنگی، صحی و مطبوعاتی شرکت داشتند. در معرفی چهرهٔ اشغالگر شوروی در غرب آن ها سهم به سزایی داشتند.

گفته می شود آقای حکمتیار پیش از انشعاب از جمعیت باری مورد بازپرس و تحقیق جمعیت قرار گرفته بود، آیا این حقیقت دارد؟

بلی! ناگفته نماند که من سفرهای زیاد داشتم، مخصوصاً در ایام حج همه ساله به عربستان سعودی می رفتم، من در این سفرها علاوه بر ادای حج، فعالیت های سیاسی و تبلیغاتی هم انجام می دادم. در جریان یکی از همین سفرها، شماری از جوانانی که در رأس آنان آقای حکمتیار بود، بدون تصمیم و مشورهٔ هیأت رهبری جمعیت، یک اقدام مسلحانه را سازماندهی کرده بودند، آنها برای جوانان گفته بودند که در داخل رژیم به نفع ما کودتاهی صورت می گیرد و ما باید برای کمک به آنها عملیات محدودی را در برخی نقاط راه اندازی کنیم. چنین اقدامی صورت گرفت و متأسفانه به علت آن که برنامه ریزی درست نشده بود و همکاران جوان ما هیچگونه آمادگی جنگی نداشتند، متحمل تلفات سنگینی شدند و ما بهترین کادرهای جوان خویش را از دست دادیم. از جمله مولوی حبیب الرحمن که یکی از اعضای جوان رهبری جمعیت بود.

من در بازگشت ضمن اعلان نارضایتی از این اقدام ناسنجیده و بدون فیصلهٔ جمعیت، کمیسیونی را جهت تحقیق تعیین کردم، یکی از اعضای کمیسیون یاسربود که جوان با احساسی بود او بعدها با اتحاد اسلامی رفت و فعلاً با طالبان همکاری دارد، عضو دیگر این کمیسیون محمد نعیم نام داشت که نام مستعار بود، کمیسیون تحقیق، حکمتیار را تحت فشار شدید قرار داده بود، به خاطر دارم که یک شب مهتابی بود وجای قدم می زدیم، آقای حکمتیار آمد وگفت یاسر وبلال بالای من فشار زیاد آورده اند، من تقاضا دارم که اجازه بدهید، به تحصیل بپردازم، البته من بنا بر شرایطی که آن زمان وجود داشت موجودیت وی را در فعالیت های جمعیت ضروری فکر می کردم.

البته در آن هنگام شماری اقدام به تبلیغات علیه من کرده بودند می گفتند، استاد به مبارزه مسلحانه موافقت ندارد و نهضت اسلامی را در فعالیت های فرهنگی محدود کرده است. یکی از تبلیغات آن ها این بود که ادعا می کردند، من شهدای را که اخیرا شهید شده بودند شهید نمی دانم، این حربه در شماری از جوانان احساساتی تأثیر زیاد کرده بود وعدهٔ در برابر من عقده گرفته بودند، یکی از این جوانان آدم خان نام داشت، جوان احساساتی بود، من بالاخره به وی توضیح دادم که نظر من این است که با اقدامات برنامه ریزی ناشده و تک روانه، با کارهایی که نتیجهٔ مثبتی برای وطن واسلام ندارد مخالفت دارم. ما در این اقدام نظامی در مراحل نخنست ضربات سنگین را متحمل شدیم.

عملیاتی که در غیاب شما و درنتیجهٔ تحریک آقای حمکتیار صورت گرفت در کجا محدود می شد؟

این عملیات در ولایت های لغمان، ننگرهار و پنجشیر و بدخشان و در مناطق سرحدی صورت گرفت.

آغاز انشعاب آقای حمکتیار از همین جا شد؟

من فکر می کنم عوامل دیگری هم بود:

قسمی که قبلا در صحبت های خود گفتم، باور من این بود که ما باید استراتژی سنجیده و دقیق ومحتاطانه را در پیش رو داشته باشیم، مخصوصاً در زمینه فعالیت های مسلحانه باید بسیار محتاط باشیم، من فکر می کردم که داوودخان چون به عنوان کمونیست شهرت ندارد، مردم از جهاد علیه او حمایت لازم نمی کنند و از سوی دیگر، من پیش بینی می کردم که روزی داوودخان با عناصر کمونیست و طرفداران اتحاد شوروی به مخالفت بر می خیزد، بناءً ما باید در این مرحله کارهای سیاسی وسازندهٔ دیگری را انجام دهیم.

من براین نظر بودم که باید ما اعضای جوان نهضت را تحت تربیت و آموزش قرار دهیم تا آن ها آمادگی پیشبرد مبارزه را در آینده داشته باشند، این خواست ها برای گروهی که بسیار احساساتی وعاطفی فکر می کردند و در رأس آنها حکمتیارقرار داشت قابل پذیرش نبود، نا گفته نماند که، من همیشه چنین عادت دارم که روی اقدامات خود بسیار دقت می کنم و تا زمانی که قانع نشوم تصمیم نمی گیرم من در آن زمان به کسانی که طرفدار انقلاب وکودتا بودند می گفتم، ما باید بررسی کنیم چه تعداد کادر در اختیار داریم، با این بچه هایی که هنوز متعلم مکتب هستند و حتا به دانشگاه نرفته اند و با چند نفر معدود معلم و مولوی صاحب ها، نمی توانیم دست به اقدام مسلحانه بزنیم.

این حرف ها برایشان ناگوار تمام می شد، یکی از این جوانان احساساتی مزمل نام داشت و طرفدار آقای حکمتیار بود، او پسان ها به من گفت حالا ما می فهمیم که آن روزها چقدر عاطفی فکر می کردیم و شما فکر استراتژیک داشتید.

در این زمینه یک خاطره یادم هست، حکمتیار با عده یی ازجوانان دربارهٔ امتیازات پس از پیروزی با من گفتگو می کردند، حکمتیار از من پرسید که اگر کامیاب شویم برای ما چه وظایفی را می سپاری؟ برای آن ها توضیح دادم که ما صرفاً برای به دست آوردن امتیازات دست به مبارزه نزده ایم و دیگر این که حکومت کردن مستلزم ظرفیت ها و توانمندی های خاصی است که اکنون اکثر همکاران ما فاقد آن توانمندی ها هستند، من برای آن که این فکر را از کلهٔ آن ها خارج کنم برای حکمتیار گفتم، اگر ما موفق شویم من می روم پوهنتون و به تدریس ادامه می دهم و شما هم بروید تحصیل تان را تکمیل کنید.

این نظر من برای آن جوانان قابل پذیرش نبود، آنها بالآخره تصمیم گرفتند تا راه خود را جدا سازند. و از طرف دیگر در حکومت پاکستان کسانی بودند که، نمی خواستند ما به مثابهٔ یک قوت متمرکز وقدرتمند در صف نهضت اسلامی با هم کار کنیم.

به همین اساس بود که آنها حکمتیار را تشویق کردند تا انشعاب بکنند. البته طبیعت و روان شناسی خود آقای حکمتیار هم ایجاب می کرد که دست به چنین اقدامی بزند.

ادامه دارد



ایمان به کرامت انسانی یعنی چه؟

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

تمدن معاصر و ریزخواران خوان پرالوان آن در زیر سقف شعار کرامت انسانی، چنان به رجز خوانی می پردازند که نه تنها فرشیان را حیرت زده نموده اند که گوش عرشیان هم از شنیدن بار بار و بی شمار آن وامانده شده و به ستوه آمده است.

امروز شعار کرامت انسانی و دفاع از آن، در سرلوحۀ کار همۀ نهادهایی قراردارد که دم از هومانیزم و انسانگرایی می زنند و با روپوش قرار دادن این شعار مقدس، هر آنچه را که در چانته دارند به سوی مخالفان منافع سیاسی و اقتصادی خویش، حواله می کنند.

پرسشی که اکنون در اذهان همه باورمندان به کرامت انسانی به حیث یک ارزش دینی به ویژه در اذهان قربانیان راه کرامت انسانی، جوانه می زند، این است آیا کرامت انسانی با این همه رجز خوانی هایی که برای آن صورت می گیرد جای پای و یا محل اعرابی در جامعۀ ما دارد؟

آیا زمزمۀ کرامت انسانی تنها برای آن است که محرومان این حق فطری و خداداد برای لحظاتی دردهای ذلت و اهانت های استخوان سوز این نظام های انسانیت ستیز را تسکین دهند؟

و آیا می شود با چهره نمایی های انسانگرایانۀ این نظام های عدالت ستیز، ماهیت خود را پنهان کرد؟

امروز در میهن ما کرامت ستیزی ها بیداد می کند، کرامت ستیزی از رهگذر گسترش روز افزون حاکمیت فقر و تنگدستی ملت و آحاد جامعه، فقری که در بینش اسلامی ما به فحوای آیت ۲۶۸ سورۀ بقره که: "شیطان به شما وعدۀ فقر و دستور به فحشا می دهد". فحشا زشت کاری ها را در پی دارد، فقری که به گفتۀ پیامبر صلی الله علیه وسلم سیه روی ای مبتلایان به آن را، با خود می آورد. فقری که حضرت علی آن شیر خدا، اگر آن را در صورت انسانی می دید، به کشتن او دست می یازید، فقری که از نظر آن صوفی والا مقام و وارستۀ مصری "ذوالنون" کافر ترین مردم فقیری است که فاقد صبر بوده باشد و انسان های صابر هم بسیار اندکند، و بالآخره آن فقری که امام بزرگوار ما، ابوحنیفه نعمان بن ثابت "رح" شخص مصاب به این درد را فاقد اهلیت استشاره می داند.

آری! در روشنایی همین آموزه هاست که در بینش اسلامی ما، زندگی کریمانه، نه تنها حق یک انسان در جایگاه آفریدۀ برگزیدۀ خداست، که حیوانات نیز از آن برخوردارند و در بهره مندی از حق کرامت در زندگی و دوری از هر گونه اهانت و خواری، همین بسنده است که در دائرۀ صنع خدا قرار دارد نه چیزی افزون بر آن.

داستان آن زنی که با شکنجۀ گربه یی داخل دوزخ می شود و آن مردی که به پاداش سیراب کردن سگی، سزاوار بهشت می گردد، به همه روشن و آشکار است.

در اخیر حرف ملت برای نظام حاکم همان حرف عمر برای والیانش می باشد که: من شما را اکنون برای پامال نمودن کرامت انسانی مردم نه گماشتم شما با حق داوری کنید و عدالت را پیشه کنید

بدون شک انسان در قرآن آفریدۀ با کرامتی است که برای سعادت آن آسمان ها و زمین رام و تسخیر او گردیده و حتا عنوان خلیفۀ خدا در گسترۀ زمین را دارد.

آیا می شود با چنین جایگاهی که انسان دارد، نسبت به او اذیت و اهانتی ـ ولو ناچیز هم باشد ـ روا داشت؟

آیا فراتر از ذلت فقر، برای انسان، ذلتی وجود دارد که کرامت او را زیر پا کند؟

این نظامی که سردمداران و هوادارانش آن را برخاسته از متن مردم قلمداد می کند، برای کمرنگ سازی این نمادها و مظاهری که تن فروشی، تگدی در جاده ها و مساجد و "خیر کنید" گویی های بی نوایان در ورای دروازه ها، فساد اداری، ارتشا در سطح کارمندان کم درآمد و...

آیا این ها همه برخاسته از آن بلای نکبت بار فقر نیست که بلند همتی ملت ما را زمین گیر کرده است و افراشته قامتان جامعۀ ما را به کرنش واداشته و بار ذلت فقر گردن آن ها را، شکسته است.

آیا موقف نظام کنونی در برابر فقر، این درد ملت کش همین است که از طریق رسانه های تبلیغاتی خویش کرامت انسانی را زمزمه کند و حریفان خود را به گونه های مختلف و با نشخوارهایی خزنده بکوبد؟

زمینه های کرامت سوزی، چه راهکاری دارند؟

فلسفۀ وجودی دولت در بینش اسلامی نه تماشاگری و به نظاره نشستن است و نه هم لجام گسیختگی منفعت جویان به اصطلاح این شرکت های ملی و فراملیتی که به فرمان هابز ـ این پیامبر خدا نشناس فلسفۀ سیاسی معاصر ـ بر بنیاد حقانیت زور پا می فشارد که گرگ وار یکدیگر را بدرند.

داستان سرازیر شدن ده ها میلیارد دالر به حساب این ملت و پامال شدن کرامت انسانی آحاد آن از طریق عفریت منحوس فقر و تنگدستی، جز این که مضحکۀ قرن و پوزخندی به ریش دراز این نظام باشد، چه عنوانی می توان به آن داد؟

نظام هایی که مدعی مشروعیت مردمی اند، ایجاد زمینه های کار و اشتغال برای مردمی که با این فقر ذلت بار کرامت سوز، دست و پنجه نرم کی کنند باید از اولویت های کار آنها باشد.

استرداد این کرامت انسانی پامال شدۀ ملت نیازمند میثاقی است که باید ریشۀ آن در ژرفای دل ها جاگزین باشد.

تا چه وقتی سرنوشت این ملت، تختۀ مشق تجارب ملت هایی باشد که نه در جغرافیای سیاسی و منطقه یی ما قرار دارند و نه در جغرافیای عقیدتی ما.

و در اخیر حرف ملت برای نظام حاکم همان حرف عمر برای والیانش می باشد که: من شما را اکنون برای پامال نمودن کرامت انسانی مردم نه گماشتم شما با حق داوری کنید و عدالت را پیشه کنید.

آری! تا این زمینه های شعار کرامت انسانی و پامال گران انسانی این ملت با فقر، خنثی نگردد حرفی بیش نخواهد بود.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی
این راه که تو می روی به ترکستان است

اخر د پنداني کيسه تر کومه؟ ...

افغانان چي کله هم پر دې باور وو چي پاکستان ورسره ورورې کول غواړي نو ورسره يې ورورې کړي او چي کله پوه شوي چې پاکستان ورسره دمشرورسلوک را واخست او غواړي دهغه د ګټو لپاره استعمال شي، نو بيا يو ډير کم زوري افغان هم دانه ده منلي، ځکه افغانان يو وياړلي تاريخ لري او کله هم دانه شي منلی.

که په افغانستان کې هر څوک واک ته ورسيږي، پاکستان ترې غلامی غواړي، او چي داونه شوه -چي هيڅکله هم نه کيږي -نو بيا ورسره د دښمنۍ لار خپله کړي، په همدې اساس يې اوس هم له افغانانو سره دښمني را اخيستی ده، افغانان هيڅکله هم دخپل ملی غرور، ځمکنۍ بشپړتيا، ملی ګټو او ملی واکمنۍ او تر هر څه زيات خپلو اعتقادی باورونو په بيه له چاسره دوستی نه کوي بلکه د دوستۍ معيار يې دا دی چې: "وروي به کوو؛ حساب ترمنځ".

اوس زما دخبرې مخ دافغان دولت ته دی؛ په داسي حال کي چي اوس د اخبره ټوله دنيا مني چي پاکستان د افغانستان په کورنيوچاروکی مداخله کوي نو پوښتنه دا ده چې مخه يې څه ډول نيول کيداي شي؟ که دامخنيوی په بيا بيا اعتراض کيداي شواي بايد اوس يې مخه نيول شوي واي، که د نړيوالو پرشهادتونو کيداي شواي، نو دغسی شهادتونه خوهره ورځ ورکول کيږي چي پاکستان دافغانستان په کورنيو چاروکی مداخله کوي خو بيا هم هغه ده دا مداخله نه ختميږي او نه تميږي.

په کار دا دي چې اوس افغان دولت د دی خبرې اصلی ريښه پيداکړي چې دا کار ولې نشي کيدای، اوس د دغه ولې ځواب پيداکول په کار دي.

که څه هم افغانستان ته د نړيوالو ځواکونو د راتلو اهداف اوس د افغانستان ديوه کرګر او شپانه له نظره هم پټ نه دی، دا اهداف د ټولي سيمی په کچه دي، له همدی لامله يې له افغانستان سره د پاکستان په اړه هغه د "نه هم ښه وايي او هغه هم بد نه وايي" سياست خپل کړي دی، له افغانستان سره چي کومه مرسته کوي نو سل ځلي يې پرې څخوي اوځنډي، خوله پاکستان سره يې هيڅ په هيڅه د لس نيم مليارد و دالرو مرسته وکړه، خو پوښتنه دا ده چي پاکستان د دغو مرستو په بدل کې څه وکړل؟ کله چی پاکستان تر پوښتني لاندي راشی، يا له افغانستان سره اوږد ګډ سرحد پلمه کړي او يا پر اوسنۍ ګډه پوله چي د افغانانو لپاره دمنلونه ده داغزن مزي دغزولو رجزونه شروع کړي چي دافغانانو له خوا بيا بيا رد شوي، دا چغي پرويز مشرف هم ووهلي او اوس د دموکراسي علم بردار صدراعظم يوسف ګيلاني يی هم وهي.

نو اوس افغان دولت ته په کار دي چي دا موضوع په جدي توګه له خپلو ميلمنو سره چې دغه لوبه يې روانه کړې ده مطرح کړي، ځکه کله هم چي افغان ولسمشر دپاکستان په اړه جدي دريځ ونيسي نو بيا د همدغو ميلمنو هيوادونو مشران او د بهرنيو چارو وزيران په نصحيتونو شروع وکړي، په داسي حال کي چي دلته د وينو سيلابونه بهيږي او په خاصه توګه د سرحد د دوو خوا د پښتنوويني بهول کيږي او پنجاب بی غمه خوبونه کوي.

دلته ماته يوه په زړه پورې خبره را په ياد شوه، کابل خو يې دقيق راته نه دی معلوم خو د ضياء الحق د واکمنۍ دوره وه، د هغه په مقابل کې هم د سياسي ګوندونو غوبل ښه په زورکي وو، له لاهوره په خپريدونکي جنګ ورځپانه کې د مشهور کارتونيست جاويد اقبال يو ډير په زړه پوري کارتون خپور شوی و، کارتون داسې وو چې له اقتدار نه يې د پيسو يو سيف safe جوړ کړی وو او د سياسی ګوندونو مشران هر يو زور وهي چی دا سيف پرانيزي، ضياء الحق د سيف له پاسه ناست دی، د سيف کلی يی په لاس کی ده او له خندا شين دی، د سيف لاندې د ضياء الحق له خولي ليکل شوی دي چي (چابی تو ميری پاس هی) يعنی کلی خو له ما سره ده!

اوس د افغانستان او پاکستان ترمنځ په روان تاوتريخوالی کې دسيف د پرانستلو کلی له هغه چاسره ده چې په افغانستان کې ميشت نړيوال نظامی ايتلاف رهبري کوي خو تردې مخه بايد افغان دولت د غه د افغانستان د ملانصرالدين دخبرحالت بدل کړي. دملا نصر الدين دقبر يوی خواته ديوال او دروازې ته يې کولپ (قفل) اچولی وو خو افغانستان يو ديوال هم نلري. افغان دولت په زرګونو پاکستانيانو ته هم ويزی ورکړي. او هم دکار جوازونه، چې دلته هم پيسی وګټي او هم خپلو استخباراتی شبکوته کار وکړي، دا به ومنو چې ټول به د استخباراتی کړيو غړي نه وي، خو دا په پوره باور سره ويلای شم چې آي ايس آی به خامخا پکی ګڼ شمير (جاسوسان) ګومارلي وي، يو کرنيل امام د مجاهدينو د واکمنۍ پر وخت په هرات کی قونسل وټاکل شو، او دهغوی واکمنۍ ته يې سخت ټکان ورکړ او اوس خو په زرګونو کرنيلان په يو نامه او بل نامه، او په يوه بله افغانی مؤسسه يا شرکت يا په افغانستان کی په کومه بهرنۍ مؤسسه او شرکت کي لګيا دي کار کوي، آيا دولت د دوی د منفی فعاليتونو مخه نيولای شي؟ که نيولای شوای، د ثور د اتمي او کندهار د محبس پيښي په نه رامنځ ته کيدی؟

دغسې آيا دولت هغه چارواکي نه پيژني چې ناست دلته دي او زړونه يې په کندو(اسلام آباد) کې دي، په دې اړه خو پخپله ښاغلي اولسمشر اعترافونه کړی دي، خو پرخلاف يې يو ګام هم پورته نه کړای شو، معلومه دا ده چې دولت مجبوری لري، که مجبوری لري نو بيا دی دا ټولي نا دودې وزغمي او خوله دي پټه وساتي، او که نه دڅه ويلو جرات کوي. بيا دې عملی ګامونه هم واخلي اوله هغه چاسره دي هم دا مسايل په جدي توګه مطرح کړي چي دپردې ترشا د اوسنۍ لوبې رهبري کوي او بلکې اوس دغه پرده هم څيرې شوې.

تا بکی در تنگنای رسم وعادت زیستن
دست، دست توست، بشکن این ظلم وننگ را

که چېري دولت ريښتيا وايي نو لاره هغه ده چي پورته مو ورته نغوته وکړه. او که نه هسې په اصطلاح د ملت(پر) څملوي، نو ملت اوس پردې ښه پوه دی چي: "غواتوره او پی. بی سپينې"

پایان محاصره غزه پس از یکسال

پوهندوی عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل



براثر پادرمیانی حکومت مصر میان اسرائیل و حرکت حماس در غزه آتش بس بر قرار شد در آغاز حرکت حماس چنین شرط های را عنوان می کرد راه ها باید باز گردد، عملیات نظامی از سوی اسراییل توقف داده شود و اسیران جنگی آزاد گردند، درحالی که اسراییل از آزادی اسیران امتناع ورزیده است، اسراییل توقف راکت ها را ازسوی حماس خواستار گردید، اسراییل هشدار می دهد که درصورت عدم رعایت آتش بس ازسوی حماس، قوت های اسراییل آماده هرنوع سرکوب مناطق غزه و خان یونس خواهد بود،

ظرف یکسال نوار غزه روز های دشوار را سپری کرده است، محاصره اقتصادی بندش راها و مسدود شدن یگانه راه خروج فلسطین به مناطق خارج از فلسطین "رفح " که به وقفه ها ازسوی مصری ها مسدود می گردد.

تحلیل گران به این باورند که فشار راکت های حماس اسراییل را مجبور به آتش بس میان فلسطینی ها و اسراییل ساخته است.

طوری که درنتیجهٔ اصابت یک فروند موشک حماس به یک کلنیک ۴۷ اسراییلی زخمی گردیدند واسراییل مدعی گردیده است که این راکت ها را ایران دراختیار فلسطینی ها، به ویژه حماس قرارداده است و این راکت ها در زمانی از سوی حماس به طرف اسراییل شلیک می گردید که جورج بوش ازاسراییل دیدن می نمود.

ایهود باراک وزیر دفاع اسراییل دردیداری که با نا نسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان امریکا که به اسراییل سفر کرده بود چنین گفت" اگر شهر سایتاگو درکالفورنیا هرروز باده ها راکت ازسوی کسانی درمرز مکسیکو مورد حمله قرارگیرد، امریکا چه واکنشی نشان خواهد داد ".ظرف ماه های اخیر سفرهای مقامات امریکا یی و اسراییل به شرم الشیخ به هدف جریان آتش بس میان اسراییل وفلسطین شدت بیشتریافته است ، طوریکه فشارهای حماس براسراییل این کشوررا مجبوربه آتش بس با اسرایل نموده است.

اگر اسراییل دراین نبردها طرف پیروز بود، به طور قطع به چنین آتش بس توافق نمی نمود، این آتش بس درحقیقت فشار بالای اسراییل را کم ساخته است. حرکات سیاسی ظرف یک ماه نشان داد، وقتی جورج بوش وارد مصر گردید، مقامات اسراییلی برای بررسی آتش بس باسازمان های مسلح فلسطینی به این کشورسفر کردند و همواره مصر میانجی این مذاکرات بوده است. این آتش بس درزمانی میان اسراییل و فلسطینی ها صورت می گیرد که جورج بوش همایش انا بولیس را در ایالات متحده براه انداخت و قول داد که در ختم ریاست جمهوریش این مذاکرات به نتیجهٔ ملموس دست خواهد یافت و قراراست، مذاکرات صلح انابلوس میان فلسطین ها و اسراییل مدت یکسال را در برگیرد.

طوریکه جورج بوش دردیداراخیرش بامحمود عباس قول داد که امریکا برای پیشبرد مذاکرات مرحله نهایی صلح اسراییل و فلسطینی ها تلاش بیشتر خواهد نمود.

فشار فلسطینی ها بالای اسر اییل به حدی بوده است که درسفرجیمی کارتر رئیس جمهور اسبق ایالات متحدهٔ امریکا از سوریه که در این سفر باخالد مشعل رهبر تبعیدی فلسطینی ها در سوریه ملاقات کرد و در این ملاقات جیمی کارتر از وی خواسته است که حملات موشکی حماس به اسراییل متوقف گردد و برای آزادی اسیران اسراییلی وارد مذاکره شود.

آقای کارتر در این سفر خویش اسرار نمود ه بود که بدون گفتگو با حماس و سوریه صلح ممکن نیست و درحالیکه امریکا اسراییل و اتحادیهٔ اروپا حاضر به ار تباط مستقیم با جنبش حماس نیستند و سیاست هایی را در پیش گرفته اند، تا این جنبش را منزوی نمایند، آقای کارتر که در سال ۲۰۰۲جایزه صلح نوبل را دریافت کرده بود شخصی است که به عقد اولین پیمان صلح اعراب و اسراییل که درسال ۱۹۹۷ بین اسراییل و مصر بسته شد، کمک کرد.

طورکه سخنگوی حماس درسوریه گفته بود " پشنهاد کارتر آتش بس و توقف حملات موشکی علیه اسراییل بود " هر دو طرف منازعه می خواهند از این آتش بس که هرلحظه خطر نقض آن متصور است، بهره برداری نمایند، طی ماه های اخیر فشار راکت های حماس به جنوب اسراییل بیشتر گردیده و اسراییل معروض به خسارات جدی بشری گردیده است، اما در ازاء آن اسراییل به بمباردمان های وقفه خویش در نوارغزه مناطق خان یونس و سایر مناطق مرزی ادامه داده و تلفات زیادی را به بار آورده است که قربانیان اصلی این جنایات را زنان وکودکان تشکیل داده است و تعدادی هم در اثر بیماری و نبود در مانگاه ها و ادویه لازم تلف گردیده است.

چنین گمان نشود که اسراییل به خاطر توقف تراژیدی بشری درفلسطین به این اقدام دست یازیده است، بلکه اسراییل خواسته است تافشار عامه را ازخود کم سازد، فلسطینی ها درحالی که از هرطرف در محاصره اسراییل قراردارند، اما توانسته اند با امکانات دست داشته حتا سنگ و چوب جریان انتفاضه را در برابر اسراییل زنده نگهدارند ، این آتش بس در حقیقت جریان جنگ تمام عیار را درقبال خواهد داشت.

راتلونکې ټاکنې او د ولس هیلې او ارزونې...

یوه پر دریمه برخه بیرته نړیوالو مرستندویه ادارو ته سپارل، د کرزي د دولت د وړتیا او کفایت؟ څرګند مثالونه دي، خو بیا هم ولسمشر کرزي لاد واکمنۍ په نشه موړ ندی! چې ثبوت یې نږدې دوه میاشتې وړاندې دلوړو زده کړو د وزارت په چوکاټ کې دیوې غونډې پرمهال د خپل کمپاین په توګه د نوموړي د بیا کاندیدو د هوډ او لیوالتیا څرګندونه وه.

خو په دې وروستیو کې د پاریس په کنفرانس کې دنړیوالو لخوا اعلان شوي یوویشت میلیارده مرستې کرزی آخر دې ته اړویست چې دکندهار په څیر مهم ولایت کې د زندان له قصې او عواملو څخه د خلکو پام پر پاکستان باندې د حملې د شعار زمزمه کولو او هغې بهرنۍ پالیسي ته را واړوي چې پرخط و خالي یې له پیرانو ماما ګانو! بل څوك نه پوهیږي، کرزي د ((مونږ او پیریان ماماګان به داسې وکړو!)) شعار په داسې وخت کې زمزمه کړ چې د ولسمشرۍ ټولټاکنو ته نور یوازې یو کال پاتې دی او دا د سیاسي شنونکو له نظره د نوموړي لخوا د خپل انتخاباتي کمپاین د دوهم پړاو آغاز دی؛ چې غواړي د افغان ولس پام بلې خواته واړوي، څکه افغان ولس خو د نوموړي د واکمنۍ دغه دوره له ډېرو ترخو سره سره طوفاني دموکراسۍ! ته د پاس لرلو له مخې وزعمله خو اوس چې د ولسمشرۍ ټاکنې رانږدې شوي، د ټاکنو لپاره د لاژمو تدابیرو د نیولو پرځای چې د نړیوالو او یوناما دنده ده، د هغوی لخوا له قدم اخستنې څخه دکرزي ګامونه ډېرګرندي دي، په داسې حال کې چې د نوموړي ناکامو پالیسیو او د هرې وعدې څخه د هغه مخ اړونې دا ایجابوله چې د نوموړي پر خپل منصب باندې د پاتې کیدو لپاره یوناما د یوې ټولپوښتنې (ریفرنډم) لپاره غوره کړې وای.

اوس چې ټولټاکنو ته نږدې یوکال پاتې دی نو باید چې نړیوال او ملګرې ملتونه پدې اړه څینې کارونه د خپل مسؤولیت په توګه انجام کړي، لکه:

۱- د راتلونکو ټاکنو لپاره دیو خپلواک او بې پرې کمیسون ټاکنه:

د ولسمشرۍ او پارلماني ټاکنو له تجاربو څخه په استفادې سره باید د کمیسیون غړي یوازې د ولسمشر په خوښه غوره نکړای شي او داسې څوك باید وټاکلی شي چې د ټولو مطرحو سیاسي لوریو او ګوندونو په وړاندې تریو څه اندازې د اعتبار وړ وي او که بیا داسې ممکنه نه اوسي نو په هېواد کې د موجودو دریګونو قوو (قضایي، مقننې او اجرائیه (ولسمشر)) دریواړو ارګانونو په وړاندې باید یو شان د اعتبار وړ اوسي.

۲- دکمیسیون تر څنګه باید په هېواد کې دیوناما په تشکیلاتي جوړښت کې هم هغه افراد شتون ولري چې د افغان ولس په دیني او ملي ارزښتونو پوه او ورته پاس لرونکی اوسي او تعامل یې له ټولو سیاسي لوریو او مطرحو علمي، ټولنیزو او سیاسي شخصیتونو سره په یو شان وي څو د ټاکنو د پروسې د شفافیت په منظور د دغو خلکو سره د مشورو له لیارې مثبتې پالیسۍ او کړنلارې غوره کړي او کوښښ وکړي چې یوناما یوازې د کرزي د پلویانو او د هغه د سمبولیك اپوزیسیون د ګټو پرځای د ټولو افغاني مطرحو سیاسي، علمي او ملي شخصیتونو باور لاس ته راوړي.

۳- یوناما باید په راتلونکي کې یقیني کړي چې د رایو شمېرنه په هماغه محل کې د کاندیدانو د استازیو په برابر حضور کې سرته ورسوي چیرې چې ولس رایې ورکړې وي او د رایو له څایه د رایو د صندوقونو کوم بل څای ته د انتقالولو او قرنطین په نوم رهبري شوې سلاح کارولو پالیسۍ پرېږدي، څکه د افغان ولس دروند اکثریت دغه پالیسۍ اوکړنلارې د درغلۍ یو ډول ګڼي.

۴- نړیوال او یوناما باید کوښښ وکړي چې په راتلونکو ټولټاکنو کې د اسلامي کنفرانس استازیتوب او حضور لاس ته راوړي څو د دولت د مخالفو جبهو غوښتنې هم ترڅه حده تحقق ومومي او په دې ترتیب په راتلونکو ټولټاکنو کې د خلکو د ونډې ډیرښت یقیني کړي، ورنه، که یوناما د تېرو په څېر پالیسۍ غوره کړي نو یقیني ده چې په تیرو ټاکنو کې د ګډون سلمه به چې د دیرشو په شاوخوا کې وه، دا خل شلو او ان تردې لسو ته رانښکته شي چې بیا به دا ټاکنې په هیڅ اخلاقی اصولو د باور وړنه اوسي.

تهدید طالبان بر پایتخت افزایش یافته است ...

از نظامیان خارجی و یک افغان همکار آنها را به قتل رسانده و شمار دیگری را زخمی ساختند.

سلطان جان خاکسار سناتور ولایت لوگر، در یک نشست خبری از افزایش حملات مخالفین دولت و نا امنی ها در ولایت لوگر خبر داد. به اساس معلومات دفتر مطبوعاتی مشرانو جرگه که به آژانس باختر، فرستاده شده است آن سناتور گفته امنیت در ولایت لوگر روز به روز خراب می شود. تمام ساحات ولسوالی خروار بدون مرکز آن، در تصرف طالبان قرار دارد و در ولسوالی چرخ همه روزه عملیات از سوی مخالفین جریان دارد و نیز در ولسوالی بره کی برک، برای کارمندان دولت هوشدار داده شده تا در ارگان های دولتی کار نکنند. وی افزود که وضعیت امنیتی در پل علم نیز نگران کننده می باشد، در جریان شب مخالفان دولت، امنیت را تهدید می نمایند حتی بعضاً از طرف روز نیز شاهراه کابل ـ گردیز به اثر حملات تروریستان مسدود می گردد. موصوف تصریح داشت که مخالفین، اخیراً در ولسوالی محمد آغه بالای پوستهٔ امنیتی مرکز آبدات تاریخی حمله ور شده و سه تن از منسوبین پولیس را کشتند، همچنان مخالفان دولت در ساحهٔ دوبندی ولسوالی خوشی عملاً فعالیت می نمایند. سناتور علاوه نموده است که چهار روز قبل افراد مسلح مخالف، حدود ۱۴ ساعت مرکز ولسوالی ازره را در اختیار خود داشتند، آنها یک کارمند قومندانی امنیه را کشته و سه تن دیگر آنها را زخمی نمودند و قسمتی از تعمیر آن ولسوالی را همراه با سه موتر رینجر پولیس حریق کردند.

وی طالبان را دشمنان مردم و دولت افغانستان دانست و اظهار داشت: وجود منابع مهم اقتصادی در لوگر از دلایل توجه طالبان در ایجاد ناآرامی در این ولایت است.

افزایش فعالیت های طالبان در این مناطق جریان کار برنامه های عمرانی را مختل نموده است. به تاریخ ۱۱ سرطان افراد مسلح طالبان در میدان شهر یک انجینر چینایی را که مصروف کار در سرک میدان شهر ـ بامیان بود ربودند و پس از دریافت پول از شرکت چیناریلوی که کار این جاده را پیش می برد، وی را پس از دو روز رها نمودند.

فکر می شود چرخ بال های جنگی نیروهای خارجی که اکنون سلاح عمدهٔ هوایی حساب می شوند به صورت روز افزون هدف آتش شورشیان قرار می گیرد. به تاریخ ۱۲ سرطان یکی از این چرخ بالها در ولایت لوگر مورد حمله قرار گرفت و سرنگون شد.

اگر با توجه به نیروهای قابل توجه خارجی و دولت که در پایتخت مستقرند، شاید نگرانی از اجرای حملهٔ موفقیت آمیز پایتخت توسط گروه های مسلح طالبان که در ولایات همجوار تجمع نموده اند دور از حقیقت باشد، اما وخامت بیشتر وضعیت امنیتی در کابل و ولایات همجوار را به اثبات می رساند، حالت روز تا روز با وضعیت جنگی زمان حضور نیروهای شوروی شباهت بیشتر پیدا می کند.

در صورتی که طالبان بتوانند به سلاح های دور برد مجهز شوند و درکوه های نزدیک به کابل موضع گیری نمایند، می توانند با پرتاب راکت امنیت پایتخت را برهم بزنند.

بقیهٔ صفحهٔ اول

پیشروی به آب های گرم ورسیدن به بزرگترین چاه های نفت دنیا، یعنی خلیج فارس را در سرداشت، از رژیم شاهی ایران حمایت کرد و چون این رژیم جنبش های اسلامی وملی را سرکوب می نمود، در نتیجه نارضایتی و انزجاری شدید در برابر امریکا درمیان گروه های سیاسی ایران ایجاد شد.

گروگان گیری ۶۶ تن از دیپلومات های امریکایی از سوی دانشجویان پیرو خط امام در نوامبر ۱۹۷۹، که ۴۴۴ روز ادامه یافت، نقطهٔ عطفی در روند تقابل میان دوکشور دانسته می شود.

حمایت امریکا از عراق در جنگ هشت ساله ایران و عراق، منجر به ایجاد ابعاد تازه یی در تیرگی روابط میان دوکشور گردید. در زمان جنگ میان آن دو کشور همسایه، امریکا به صورت آشکاری با دادن جنگ افزار و اعمال فشار علیه ایران از عراق حمایت کرد.

پشتبانی جمهوری اسلامی ایران از حزب الله لبنان وگروه های مبارزفلسطینی، که تهدیدات جدی علیه اسرائیل به وجود آورد، روابط امریکا وایران را بیشتر تنش آلود ساخت، حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه تابستان ۱۳۸۵، در برابر حملات اسرائیل بر لبنان مقاومت کرد وتوانست برای نخستین بار طعم شکست را به دولت یهودی بچشاند.

بعد از رویداد ۱۱ سپتامبر و ورود نیروهای امریکایی به افغانستان وعراق و به دنبال تشدید خشونت ومقاومت در برابر ارتش امریکا ومتحدان آن، امریکا ایران را متهم به حمایت از القاعده وگروه های شورشی در عراق و افغانستان نمود و آن کشور را بزرگ ترین حامی تروریزم بین المللی خواند.

ظاهراً در شرایط کنونی برنامهٔ هسته یی ایران مهم ترین دلیل تیرگی روابط میان دوکشور و انگیزه اصلی شایعهٔ حمله بر ایران دانسته می شود. ایران برنامه های هسته یی خویش را صلح آمیز خوانده می گوید در صدد دست یابی به سلاح اتمی نیست.

بحث اصلی در مسألهٔ اتمی ایران، غنی سازی یورانیم توسط آن کشور می باشد، یورانیوم غنی شده، سوخت اصلی راکتورهای اتمی می باشد، ایران اعلان نموده است که می خواهد در تهیهٔ سوخت اتمی وابسته به بیرون نباشد. اما امریکا و متحدان آن استدلال می کنند که دست یابی ایران به فن آوری غنی سازی یورانیوم، راه را برای ساختن بم اتم توسط آن کشور هموار می سازد، مسلح شدن ایران با سلاح اتمی برای اسرائیل متحد نزدیک امریکا در منطقه، کابوسی وحشتناکی دانسته می شود، استراتژی دفاعی اسرائیل بر جلوگیری از دست یابی کشورهای منطقه به سلاح اتمی استوار است، آن کشور بر اساس همین استراتژی، مرکز هسته یی عراق را در دههٔ هشتاد میلادی از میان برد و همچنان مرکز اتمی سوریه را چندی پیش بمباران نمود.

قابل ذکر است اسرائیل یگانه کشور در منطقه است که مجهز با سلاح اتمی می باشد، طبق ابراز نظر کارشناسان، آن کشور از ۱۵۰ تا ۲۰۰ سلاح اتمی در اختیار دارد. این مطلب را جیمی کارتر رئیس جمهور پیشین امریکا نیز اذعان نمود.

ایران مخالفت امریکا با برنامهٔ هسته یی خویش را در حالی که اسرائیل ده ها سلاح اتمی در اختیار دارد، سیاست دوگانه خوانده ظالمانه می داند، آژانس بین المللی اتمی ملل متحد نیز غنی سازی یورانیوم را حق ایران می داند، اما خواهان شفافیت بیشتر در برنامهٔ اتمی ایران شده است.

احتمال حمله بر ایران

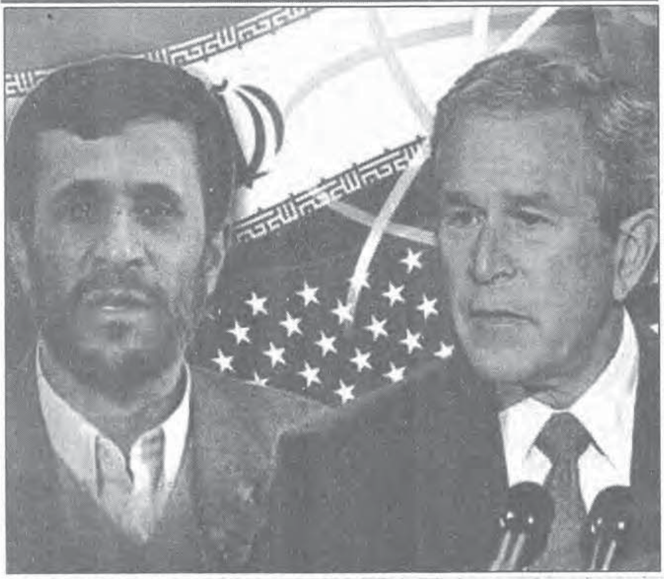
هنوز هم این سؤال که آیا منازعهٔ اتمی ایران می تواند به حملهٔ امریکا و اسرائیل بر ایران منجر شود پاسخی ندارد.

با آن که مقامات امریکا به صورت رسمی راه حل سیاسی و مذاکره را بهترین گزینه برای حل بحران هسته یی ایران می دانند، گزارش ها و تحلیل هایی وجود دارد که نشان می دهد فکر می شود رهبران ایران نیز اکنون بیش از هر زمان دیگری امکان حمله بر آن کشور از سوی امریکا و اسرائیل را محتمل می دانند. سرلشکر محمد علی جعفری فرماندهٔ سپاه پاسداران ایران اعلان نمود، احتمال حمله بر ایران جدی است. وی در گفتگو با روزنامهٔ جام جم گفته است، جمهوری خواهان، در امریکا از پیروزی نامزد مورد

احتمال حمله بر ایران

عوامل و پیامدها

عبدالمعین شاهد



سیمور هرش روزنامه نگار و گزارشگر امریکایی اخیراً فاش نمود، دولت امریکا یک بودجهٔ محرمانهٔ ۴۰۰ میلیون دلاری را برای بی ثبات کردن حکومت ایران اختصاص داده است. هرش گفته است، سی آی ای مشغول عملیات علیه ایران است، وی ربودن کارشناسان اتمی ایران و وادار کردن آن ها به اعتراف فعالیت های ایران جهت ساخت سلاح اتمی را یکی از برنامه های سیاه ذکر نموده است

حمایت شان در انتخابات ریاست جمهوری نا امیدند و دولت آنها که چند ماهی بیشتر به پایان عمرش باقی نمانده، در تلاش است تا اگر واقعاً شرایط فراهم باشد و فرصتی پیدا کند و اطمئنان داشته باشد که حمله بر ایران، حداقل با درصدی از موفقیت همراه خواهد بود، با دستاویز فعالیت اتمی ایران، به این کشور حمله کند.

تأثیر حملهٔ نظامی در جلوگیری از فعالیت های هسته یی ایران

اما آیا می تواند حملهٔ نظامی در جلوگیری از پیشرفت برنامهٔ هسته یی ایران مؤثر واقع شود؟

اکثر کارشناسان پاسخ این سؤال را منفی می دانند، ایران تأثیر این حمله را ناچیز خوانده فرماندهٔ سپاه پاسداران گفته است، چنین حمله می تواند فعالیت های اتمی ایران را اندکی به تأخیر اندازد، اما هیچگاه نخواهد توانست آن را کاملاً متوقف سازد. آژانس بین المللی اتمی نیز عقیده دارد، حمله بر ایران می تواند آن کشور را جهت ساختن سلاح اتمی مصمم تر سازد، کارشناسان عقیده دارند، به علت پراگندگی وتعدد مراکز هسته یی ایران، از میان بردن کامل فعالیت های هسته یی آن کشور تقریبا ناممکن است، ایران نیز هشدار داده است درصورت حمله بر تأسیسات اتمی اش، واکنش شدیدی نشان داده و از همکاری با آژانس دست خواهد کشید.

حمله بر ایران تحت مطالعهٔ امریکاست.

سیمور هرش روزنامه نگار و گزارشگر امریکایی اخیراً فاش نمود، دولت امریکا یک بودجهٔ محرمانهٔ ۴۰۰ میلیون دلاری را برای بی ثبات کردن حکومت ایران اختصاص داده است. هرش گفته است، سی آی ای مشغول عملیات علیه ایران است، وی ربودن کارشناسان اتمی ایران و وادار کردن آن ها به اعتراف فعالیت های ایران جهت ساخت سلاح اتمی را یکی از برنامه های سیاه ذکر نموده است، چنین اعترافی می تواند موضع ادارهٔ بوش در حمله بر ایران را تقویت کند. هرش همچنان گفته است ایجاد اختلافات قومی وشوراندن اقلیت های اجتماعی علیه جمهوری اسلامی، شامل این برنامه ها می باشد.

کاخ سفید تا هنوز این ادعای هرش را تکذیب نکرده است.

مقامات اسرائیلی نیز اخیراً از حمله بر ایران سخن گفته اند، شائول موفاز وزیر دفاع سابق اسرائیل و معاون کنونی نخست وزیر آن کشور هشدار داده است، اسرائیل ممکن است چاره یی جز حمله بر تأسیسات اتمی ایران نداشته باشد، موفاز که با روزنامهٔ اسرائیلی یدیعوت اهرنوت گفتگو می کرد اظهار داشت، تحریم های بین المللی در جلوگیری از برنامه های هسته یی ایران ناموفق بوده است وی افزود، اگر ایران برنامهٔ اتمی خود را ادامه دهد به آن کشور حمله خواهیم کرد.

ادامه دارد

آیا می شود راه حلی برای خشکسالی در کشور یافت؟

نذرالله عنایت

در پهلوی سایر بحران ها، پدیدهٔ خشکسالی ، دامن سبزطبیعت وطن مارا زرد ساخته است.

این یکی ازآفات طبیعی است که مردم ما ، بخصوص ساکنان ولایات شمال به آن دست وپنجه نرم می کنند.

به اساس گزارش های رسیده به هفته نامهٔ مجاهد، ساکنان ولایات سمنگان، سرپل، جوزجان، و بدخشان بر اثر خشک شدن مزارع شان بامشکلات فروان روبرو اند.

محمد گل باشندهٔ ولایت سمنگان که خود در اثر خشک سالی به کابل آمده می گوید: مردم اطفال خود را به بهای اندک می فروشند و حیوانات خود را ذبح می کنند تا در عوض نان از گوشت آن برای مدت چند روز استفاده نمایند.

کارشناسان می گویند این گناه ماست که نمی توانیم با طبیعت آشتی کنیم و از مواهب و نعماتی که در سینهٔ آن است استفاده نماییم.

پوهاند محمد یاسین محسنی رئیس فاکولته زراعت می گوید: برای مبازره با خشک سالی ارتقای اگاهی برای مردم اهمیت فروانی دارد، مثلاً مردم می توانند گیاهان و نباتات، اشجار مثمر و غیر مثمر غرس نمایند و طبیعت را زیبا بسازند که طبیعت سبز خود به خود سبب ریزش برف و باران می گردد.

همچنان دولت و کشورهای کمک کننده باید، به اساس یک استراتیژی ملی، متوازن، برنامه های خویش را عملی سازند. آقای محسنی افزود: آب های جاری کشور که به مثابهٔ خون در رگهای این وطن باید جاری باشد، بدون کدام معاهدهٔ قانونی به خارج سرازیر می شود، بر دولت است که با ایجاد سدها هزاران هکتار زمین خشک و بایر وطن را به زمین زراعتی تبدیل نماید.

به باور آگاهان نبود یک برنامهٔ منظم از قبل تعیین شده از سوی دولت در همچو موارد می تواند به بحران خشکسالی دامن بزند.

پوهنوال محمد اشرف یاد گاری استاد دانشکدهٔ اقتصاد می گوید:

پیش از این که زمان تأثیر گذاری خشک سالی فرا برسد و مردم اولاد خود را به فروش برسانند، باید دولت و مراجع کمک کننده در جهت تأمین احتیاجات از نظر مواد غذایی اقدام نموده در توزیع عادلانهٔ آن همت گمارند.

آقای یادگاری معتقد است که دولت و کشورهای کمک کننده برنامهٔ از قبل تعیین شده در همچو موارد ندارند آنها زمانی عکس العمل نشان می دهند که تعدادی مرده اند و یا مجبور به ترک اماکن اصلی شان می شوند که علاج بعد از وقت فایده ندارد .

عبد المالک حلیمی در مرکز تحقیقا ت دانشگاه کابل و استاد درفاکولتهٔ اقتصاد می گوید: مسلماً وقتی انسان مواد مورد ضرورت را گرفته نتواند و قدرت خرید آن را نداشته باشد به انواع و اقسام مریضی مبتلا شده نهاد خانواده و جامعهٔ سالم از هم می پاشد. بناً خشکسالی سبب شیوع امراض لاعلاج نیز می گردد.

د جون میاشت د بهرنیو ځواکونو لپاره

په نتیجه کې د نهه سوو په شاوخوا کې قیدیان له زندان څخه آزاد کړل.

او د همدې حملې په تعقیب طالبانو د کندهار په ولایت کې دوه مهم ستراتیژي مرکزونه ونیول. همدارنګه د غه شمېره په ډاګه کوي چې په دې موده کې د تېر کال په پرتله د جګړې د تلفاتو فیصدي (سلمه) شپیتو ته رسیدلې ده. یو شمیر شنونکي په دې نظر دي چې د عراق په پرتله په افغانستان کې د تلفاتو د زیاتیدنې عامل په دې هېواد کې د زور زیاتي ډېر والی دی او په عراق کې یې د کموالي عامل د زور زیاتي د کچې ټیټوالی دی.

تیره اونۍ د امریکا د دفاع وزارت یو راپور خپور کړ چې په کې داسې وړاندوینه شوې وه چې د (۲۰۰۸) میلادي کال په اوږدو کې به طالبانو حملې پراخې او زیاتې شي.

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارۀ هفتم شنبه ۱۵ سرطان ۱۳۸۷- ۲ رجب المرجب ۱٤۲۹ - 05, July 2008

افراسیاب ختک:

مشرف از بیت الله محسود حمایت می کند

افراسیاب ختک رهبر حزب ملی عوامی پاکستان در گفتگویی با یک روزنامۀ کانادایی گفته است که ارتش پاکستان وژنرال پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان از بیت الله محسود فرماندۀ شورشیان پاکستانی حمایت می کند وآنان را فرصت می دهد تا از مناطق قبایلی به عنوان پایگاه امن علیه دولت افغانستان استفاده کنند. موصوف مشرف و ارتش را متهم کرده است که در صدد ناکام کردن دولت افغانستان هستند. گفته می شود در سیاست نظامی مشرف وارتش پاکستان تاکید اصلی برآن است که افغانستان نباید به یک کشورقوی مبدل شود، بلکه باید همیشه نیازمند باقی بماند.

آقای افراسیاب راه اندازی عملیات نظامی پاکستان درمناطق خیبر را محدود دانسته وآن را بی اثر تلقی کرده است، کارشناسان امورو منتقدان دولت محافظه کار پاکستان براین عقیده اند که با شورشیان باید تا سرحد نا بودی شان مبارزه صورت بگیرد. این درحالی است که بسیاری از کشورهای بزرگ جهان از وجود شورشیان که امنیت منطقه وجهان را تهدید می کند، نگران هستند، اما آقای مشرف تا کنون این کشورها را با شیوه های گوناگون فریب داده هزینه های بزرگی را به منظور نابودی شورشیان دریافت کرده، اما به صورت عملی هیچ کاری نکرده و برعکس از آن بر ضد دولت افغانستان استفاده است.



حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان و سایر مقامات بلند رتبه این کشور بارها از وجود پایگاه های شورشیان در آن سوی مرز سخن گفته ودولت پاکستان را به مداخله در امور داخلی افغانستان متهم کرده اند، اما دراین اواخر منابعی در پاکستان در مورد حمایت مشرف از شورشیان سخن می گویند.

انجمن جوانان پیشرو اعلام موجودیت کرد

این انجمن که متشکل ازچند نهاد دانشجوی است ، طی گرهمایی در هتل زنبق طلایی بتاریخ ۱۳ /۱۳۷۸/۴ رسماً موجودیت خودرا اعلان نمود .

کامبخش نیکویی که گردانندگی محفل را بعهده داشت ، درسخنرانی خود اظهار نمود

جغرافیای فعلی وخط مرزی دیورند یک خط ثابت شده وغیر قابل تغییرمی باشد وی علاوه کرد، هر نوع تلاش وادعای مرزی ازسوی زمام داران ، به نفع کشور نیست ، وتمام مصیبت ها ی وارده به افغانستان طی سی سال گذشته ، ازهمین ناحیه بوده است.

عبدالحفیظ منصور مدیر مسوول هفته نامۀ پیام مجاهد دراین همایش سخنرانی کرد وازطرح دولت برای اسکان کوچی ها حمایت نموده پیش شرط های را درزمینه پیشنهاد نمود.

تعریف کوچی، شناخت کوچی، تعین احصائیه کوچی های افغانستان وجابجای آنها به اساس سنخیت زبانی ، قومی وتاریخی آنها ازطرح های بود که آقای منصور ابرازداشت.

آقای منصور افزود: مردم ما از سیاست جابجای ناقلین در تاریخ پسین افغانستان سخت زیان دیده اند وآن زخم ها هنوزتازه است ، آنطورنشود که باز شمال افغانستان جای اسکان آنها باشد وبار دیگر جمعی را ازاین جا وآنجا بیاورند ویک مصیبت دیگری را ازطریق غصب وتوزیع زمین های مردم بیا فرینند.

دنړیوالو د پام وړ

راتلونکي ټاکنې او د ولس هیلې او ارزونې

شفیق



د بُن د پریکړې په نتیجه کې د راغلي نظام په تعقیب دا دی د لنډ مهاله او منځمهاله دورو وروسته د ټولټاکنو له لیارې مینځ ته راغلي د کرزي د دولت د واکمنی پنځه کلنه موده هم په پوره کېدو ده خو تر دا مهاله په دې نږدې اوه کلنه موده کې، نه افغان ولس د داډمن ژوند په هیله د آرامی او سوکالی ساه واخیسته او نه ولسمشر کرزی په واکمنی مور شو.

د لومړي خبري ثبوت خو دا دی چې د څه د پاسه دیرشو هېوادونو په نظامي حضورکې هم، نور هېواد خو پرېږده، ان تردې چې د کابل په ګاونډي ولایتونو کې هم طالبان او د دولت مخالفین له یوې ورځې څخه بلې ته لاپیاوړي کیږي او همدارنګه د هیواد د بیارغونې، سوکالی او ترقی په لړکې د نړیوالو او کرزي دولت لخوا ټولې وعدې لاتر اوسه له دې امله هماغسې خوبونه او خیالي جنتونه پاتي دي چې کرزي د خپلې واکمنی په دوره کې د قانونیت، عدالت او کفایت د اصولو د خپلولو پرځای د سازش، نوازش او پرې پالنې پالیسی غوره کړې دي، د کومو له برکته چې په لوړو او ټیټو ټولو دولتي پوستونو کې نه کار د کارور خلکو او مخلصو افغانانوته و سپارلی شو. او نه بیا ولسمشرکرزي ته خپل هغه شعار یاد شو چې د ټولټاکنو پرمهال او لاد هغې له مخه به یې د هر زمزمه کاوه، چې کار به د کارور خلکو ته سپاري.

په دې اړه په دې تېره موده کې یوازې د کابل د ښاروال په توګه دپنځوکسانو آزماېل، د اداري اصلاحاتو او ملکي خدماتو د کمیسیون پر نوم د تور بازار چلول او د دې اداري له لیارې په څوکېو باندې د ټاکلی شوو نرخونو په بیه د خلکو ګمارل، (چې په دې نږدې ورځو کې د ختیځ زون د دفتر مسؤولې ګلالی جبارخیل مطبوعاتي کنفرانس ورڅخه هم پرده پورته کړه) او یا په مجموعي توګه په نږدې ټولو وزراتونو کې د پلان شوو پروسو د نه تطبیق لامله د انکشافي بودیجو نږدې

پاتې پر ۷ مخ

رویداد های مهم هفته

سی تن از جنگ جویان طالب در خوست کشته شدند

نیروهای ائتلاف به تاریخ۱۳۸۷/۴/۱۱ انتشار اعلامیه یی در کابل اعلام کردند که بیش از سی تن از شورشیان طالبان در ولسوالی تنی از نقاط مرزی افغانستان با پاکستان است کشتند. گروه طالبان نیز کشته شدن ده تن را پذیرفتند. دراین عملیات نیروی خارجی از قوت هوایی استفاده کرده اند.

کندک واکنش سریع آلمان در شمال آغاز به کار کرد

آلمان فرماندهی کندک واکنش سریع در شمال را به عهده گرفت، سخنگوی این نیروها به تاریخ ۸۷/۴/۱۱ در ولایت بلخ گفت که این نیروکه با جنگ افزارهای مدرن مسلح است، آماده گی دارد با هرنوع شورش احتمالی مقابله کند.

سه تن از فرماندهان طالبان در نیمروز کشته شدند

نیروها خارجی شب یکشنبه تاریخ ۹ سرطان یک مرکز تجمعی گروه طالبان را در ولسوالی خاشرود ولایت نیمروز از طریق هوا هدف قرار دادند که درنتیجه سه تن از فرماندهان طالبان وشش غیرنظامی کشته شدند.

سقوط یک چرخبال نیروهای ائتلاف در لوگر

چهارشنبه ۱۲ سرطان یک چرخبال نیروهای ائتلاف در ولسوالی خروار ولایت لوگر بعد از آن مجبور به نشست اضطراری شد که هدف تیراندازی سلاح سبک قرار گرفت. نیروهای ائتلاف گفتند که این چرخبال بعد ازآن که به زمین نشست آتش گرفت. به گفتۀ نیروهای ائتلاف سرنشینان این چرخبال قبل از آتش گرفتن پائین شده بودند.

والی نیمروز از یک سوء قصد جان سالم بدر برد

غلام دستگیر آزاد والی نیمروز ساعت پنج بعد از ظهر روز چهارشبنه ۱۲ سرطان هدف حمله انتحاری قرار گرفت، اما از این حادثه جان سالم بدربرد. فرماندۀ نیمروز به رسانه ها گفت که دراین حادثه سه تن از محافظان والی نیمروز کشته و شش تن دیگر به شمول سه پولیس وسه فرد غیرنظامی کشته مجروح شده اند.

حمله به کاروان نیروهای کانادایی در قندهار

یک کاروان نیروهای کانادایی روز چهارشنبه ۱۲ سرطان در ولسوالی سپین بولدک ولایت هدف حمله انتحاری قرار گرفتند، جنرال عبدالرزاق فرماندۀ لوای سرحدی پولیس به رسانه ها گفته است که این حمله ساعت یازده قبل از ظهر به وقوع پیوست که طی آن هفت تن به شمول دو سرباز کانادایی دو پولیس و سه فرد غیرنظامی مجروح شده اند.

حمایت دولت افغانستان از راه اندازی عملیات نظامی در پاکستان

دولت افغانستان از راه اندازی عملیات نظامی دولت پاکستان در منطقه خیراجنیسی پشتیانی کرد، همایون حمیدزاده سخنگوی رئیس جمهور روز سه شنبه ۱۱ سرطان در نشست خبری در کابل گفت که دولت افغانستان از عملیات نظامی دولت پاکستان حمایت می کند و بر ادامۀ همچو عملیات تاکید کرد.

دوشهروند افغان در پاکستان کشته شدند

دوشهروند افغان به تاریخ ۷ سرطان در به اتهام جاسوسی به نیروهای خارجی در ملا عام کشته شدند، یکی از این دوشهروند توسط مرمی تیرباران شد ودیگر به وسیله کارد سربریده شد، دولت افغانستان این عمل را محکوم کرد.